

An Analysis of the Factors Affecting Hunting, Its Goals and Functions in the Nasserite Era

Zahra Ghanbari*

Sahmeddin Khazaei**

Abstract

Kings have had different funs in most historical periods, but one of the common funs is hunting. Different dynasties ruling of Iran have always paid special attention to hunting and the Qajar period is one of the most prominent of these periods, especially in the Nasserite era, Nasser al-Din Shah, princes and even ordinary people were very interested in hunting and therefore engaged in hunting every day. In the present study, attempt will be made to by descriptive-analytical method and by using travelogues, memoirs and documents, answer the question that what were the factors affecting hunting, hunting functions and hunting goals in the Nasserite era? The findings of the study indicate that the climate, sanctuaries, abundance of hunting grounds, physical strength of people, unfounded beliefs, variety of hunting tools and admirable behavior, have been effective factors in the hunting method in this period. Hunting during the Qajar period, especially during the Nasserite era, was carried out in two forms, free and enclosed. In free hunting, the king and everyone else were allowed to hunt, but enclosed hunting was often reserved for the king. Although the king and courtiers' first motivation of hunting was entertainment, in fact also followed other purposes such as skill training, providing food from hunting meat, strengthening foreign relations by sending hunted animals as disgrace, satisfying the sense of warfare and power, and averting possible dangers.

Keywords: Hunting, Nasserite era, Enclosed hunting, Free hunting, Animal species.

* Department of History of Lorestan University, Khoram Abad, Iran, zahra7474.ghanbari@gmail.com

** Assistance Profesor in history of Lorestan University (Corresponding Author), khazaei.s@lu.ac.ir

Date received: 2022/08/06, Date of acceptance:2023/01/24



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

تحلیلی بر عوامل مؤثر بر شکار، اهداف، و کارکردهای آن در عصر ناصری

زهرا قنبری*

سهم‌الدین خزائی**

چکیده

شاهان در اکثر دوره‌های تاریخی به تفریحات متفاوتی پرداخته‌اند، اما یکی از سرگرمی‌هایی که در بین همه آنان مشترک بوده شکار است. دودمان‌های مختلف حاکم بر ایران همواره به شکار توجه ویژه‌ای داشته‌اند و دوره قاجار یکی از نمایان‌ترین این دوره‌هاست، به‌ویژه در عصر ناصری شخص ناصرالدین‌شاه، شاه‌زادگان، و حتی مردمان عادی هم به شکار علاقه وافری داشتند و لذا، همه‌روزه به شکارگری مشغول بودند. در پژوهش حاضر، تلاش خواهد شد تا با روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از سفرنامه‌ها، خاطرات، و اسناد به این پرسش پاسخ داده شود که عوامل مؤثر بر شکار، کارکردهای شکار، و اهداف شکار در عصر ناصری چه بوده‌اند؟ دستاوردهای پژوهش بیان‌گر آن است که آب‌وهوا، قرقگاه‌ها، وفور شکارگاه‌ها، توان و قدرت فیزیکی افراد، باورهای بی‌اساس، تنوع در آلات شکار، و رفتار تحسین‌آمیز از عوامل مؤثر بر طریقه شکارگری در این دوره بوده‌اند. شکار در دوران قاجار به‌ویژه عصر ناصری به دو صورت آزاد و قرق انجام می‌گرفت. در شکار آزاد، شاه و همه افراد مجاز به شکارگری بودند، اما شکار قرق اغلب مختص شاه بود. اگرچه نخستین انگیزه شاه و درباریان از شکار تفریح و سرگرمی بود، اما درحقیقت اهداف دیگری مانند تمرین مهارت، تأمین آذوقه از گوشت شکار، تقویت روابط خارجی با

* دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه لرستان، zahra7474.ghanbari@gmail.com

** استادیار تاریخ دانشگاه لرستان (نویسنده مسئول)، khazaei.s@lu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۴



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

فرستادن حیوانات شکار شده به عنوان خلعت، ارضای حس سلحشوری، و قدرت و دفع خطرهای احتمالی را نیز در پی داشت.

کلیدواژه‌ها: شکار، عصر ناصری، قرق، شکار آزاد، گونه‌های جانوری.

۱. مقدمه

شکار در دوره قاجار مانند دیگر ادوار تاریخی از اهمیت فراوانی برخوردار بوده است. شاهان قاجار بیش تر وقت خود را صرف این کار می‌کردند. البته اهمیت شکار نزد همه شاهان قاجار یکسان نبود. در زمان ناصرالدین شاه، توجه زیادی به شکارگری می‌شد، چراکه هم شخص شاه علاقه بسیاری به شکارگری داشت و هم اجازه این کار به سایر افراد داده می‌شد. مسئله شکار در عصر قاجار موضوعی است که اخیراً توجه پژوهش‌گران را به خود جلب کرده است.

درباره موضوع حاضر تاکنون پژوهشی انجام نشده است. زهرا قنبری و توران طولابی (۱۳۹۹) در پژوهشی تحت عنوان «شکار حیوانات توسط اشراف قاجار و پی‌آمدهای زیست‌محیطی آن» تنها چگونگی روند شکار در میان اشراف قاجاری در عصر ناصری را مورد بررسی قرار داده و در پی آن، پی‌آمدهای زیست‌محیطی شکار اشراف در این دوره مورد واکاوی قرار گرفته است. زهرا قنبری و سهم‌الدین خزایی (۱۴۰۰) در پژوهش «قرق و امنیت شکار در عصر ناصری» مسئله قرق، کارکرد آن، و آثار و پی‌آمدهای آن را در دوره ناصری مورد بررسی قرار داده‌اند. در این پژوهش‌ها، به نقش عوامل مؤثر در شکار، اهداف، و کارکردهای آن اشاره‌ای نشده است. در این میان، شهیدانی و دیگران (۱۳۹۹) در پژوهشی به «بررسی و تحلیلی بر آداب و اخلاق شکار حیوانات در عصر صفویه» پرداخته و مسائلی هم‌چون انگیزه و فرایند شکار در عصر صفوی و مخاطرات آن بر محیط‌زیست و گونه‌های جانوری را بررسی کرده‌اند و معتقدند که صفویان از شکار به عنوان منبع غذایی، فراگیری فنون رزمی، و کسب حس افتخارجویی با رویکرد اخلاق «انسان‌محوری» استفاده می‌کرده‌اند. رضا دریکوندی و مصطفی ندیم (۱۳۹۸) نیز در پژوهشی به «تحلیل و بررسی جایگاه شکار سلطنتی و کارکردهای متنوع آن در عصر صفوی» پرداخته و جایگاه شکار سلطنتی را به عنوان محبوب‌ترین تفریح سلطنتی دوره صفویه بررسی کرده؛ هم‌چنین، کارکرد اصلی آن و شیوه‌های انجام شکار را مورد توجه قرار داده‌اند. این دو مقاله وضعیت شکار در عصر صفویه را بررسی کرده‌اند، اما آدینه‌وند و دیگران (۱۳۹۵) در پژوهشی به «تحلیل

پدیده شکار سلطنتی در عصر قاجار» پرداخته و به مسئله محیط‌زیست و پدیده شکار در عصر قاجار توجه کرده‌اند و مته (۱۳۹۹) نیز در کتاب خود با عنوان *تفریحات ایرانیان (مخدرات و مسکرات از صفویه تا قاجاریه)* به مبحث شکارگری در عصر قاجار و تحلیل شکار به‌عنوان یکی از تفریحات موردعلاقه شاه و اشراف پرداخته است، اما در پژوهش حاضر تلاش خواهد شد تا عوامل مؤثر بر شکار و کارکردهای شکار و اهداف شکارگری در عصر ناصری موردتحلیل و بررسی قرار گیرد تا روشن شود که برخلاف تصور رایج، شکار در عصر قاجار تنها با هدف سرگرمی و تفریح صورت نمی‌گرفته، بلکه اهداف دیگری را نیز در پی داشته است.

۲. اهمیت شکار در عصر قاجار

شکار در همه دوره‌های تاریخ ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و یکی از مهم‌ترین سرگرمی‌ها برای شاه و درباریان بوده است. شکار در دوره قاجار هم از اسباب تفریح و خوش‌گذرانی محسوب می‌شد. شاه و همه اطرافیان او، که شامل فرنگی‌ها هم می‌شد، همه‌روزه برای شکار به مناطق مختلف می‌رفتند و شکار جزء لاینفک زندگی‌شان محسوب می‌شد (عزیزالسلطان ۱۳۷۶: ج ۲، ۱۶۳۹). در واقع، شکار نمایش کفایت و توانایی جسمانی شاه و دیگر افراد بود. از آن‌جاکه شکار به‌ویژه شکار جرگه (نوربخش ۱۳۴۶: ۱۴۸) یکی از مهم‌ترین تفریح‌های عصر قاجار بود، شاهان، شاه‌زادگان، درباریان، و دیگر افراد علاوه‌بر استفاده از جنبه تفریحی شکار از ظرفیت‌های متنوع آن برای تحقق اهداف سیاسی، نظامی، و معیشتی خود نیز بهره می‌گرفتند. شکار از اسباب عیش و تفریح پادشاه بوده و از ایام قدیم قاعده و قانون این ولایات بر این بود که همه مقربان، چاکران، و شکارچیان ماهر در رکاب شاه به شکار بروند (روزنامه وقایع/تفاقیه ۱۳۷۳: ج ۱، ۲۵۳؛ اعتمادالسلطنه ۱۳۶۷: ج ۱، ۲۷۶). شکار به‌عنوان تفریحی لذت‌بخش برای سفرای خارجی، که در ایران اقامت داشتند، نیز به حساب می‌آمد، زیرا فقدان سرگرمی موجب شده بود که معمولاً خود را با شکار مشغول کنند (دوراند ۱۳۴۶: ۱۵). اجازه و اختیار این کار از طرف شاه به آنان داده شده بود و این امر موجب شده بود که آن‌ها هم در این زمینه مهارت لازم را به‌دست آورده و شکار به یکی از تفریحات ثابت آن‌ها تبدیل شده (عزیزالسلطان ۱۳۷۶: ج ۲، ۱۶۳۹؛ فووریه ۱۳۸۵: ۱۲۶) و زمان زیادی را هم صرف این کار کنند (چریکف ۱۳۵۸: ۱۰۳).

اما شکار نزد همه شاهان قاجار از اهمیت یکسانی برخوردار نبود. در مورد شاهان نخستین قاجار آگاهی چندانی در مورد شکار از منابع به دست نمی آید (فلاندن بی تا: ۷۲)، زیرا مسائل و درگیری های سیاسی موجب شده بود که علاقه چندانی به شکار نشان ندهند، اما در زمان ناصرالدین شاه توجه بیشتری به شکار می شد، زیرا ناصرالدین شاه خود شاه شکار بود و وقت بسیاری را برای انجام این کار می گذاشت (مارکهام ۱۳۶۷: ۳۸). یکی دیگر از دلایلی که سبب شد تا دوره ناصری نمایان تر از سایر دوره ها باشد، سلطنت طولانی مدت ناصرالدین شاه بود که فرصت بیشتری برای خوش گذرانی در اختیار وی قرار داده بود. از دیگر دلایل اهمیت و علاقه ناصرالدین شاه به شکار وجود شکارگاه های فراوان و تنوع گونه های مختلف جانوری بود. شکار در این دوره نه تنها برای شخص شاه، بلکه برای شاهزادگان و همه افرادی که به گونه ای با شاه در ارتباط بودند نیز اهمیت داشت. از آن جاکه محدودیتی برای شکارگری اعمال نشده بود، همه افراد با هر مقام و منصبی مجاز به شکار بودند (پولاک ۱۳۶۸: ۱۲۸) و با شکار بی رویه، گونه های جانوری را از بین می بردند. البته منافع مختلفی هم از این راه نصیبشان می شد. در واقع، هر شخصی با توجه به موقعیتی که داشت از کاربردهای شکار استفاده می کرد. پس از یک شکار موفقیت آمیز، شاه و همه ابواب جمعی او مبلغی را به عنوان نازشست و خلعت برای هم می فرستادند. این هدیه ها گاه با ابزار شکار هم همراه می شد که نشان از اهتمام و اهمیت شکار در این دوره بود. گرچه شکار هر یک از گونه ها برای شاه و درباریان مسرت بخش بود، اما شکار حیواناتی هم چون پلنگ و خرس برای شاه بسیار غرور آفرین بود. باید در نظر داشت که شکار این گونه ها طبیعتاً خالی از خطر نبود، اما افتخاری که شکار این حیوانات ارزشمند نصیب شاه می کرد موجب شده بود که خطرهای احتمالی نادیده گرفته شود. از آن جاکه شکارگری برای شخص شاه و همراهانش موضوع بااهمیتی بود و هم چنین علاقه بسیاری به ثبت این افتخارات داشتند، عده ای از شاهزادگان، که همیشه در رکاب شاه بودند و مورخ درباری محسوب می شدند، روزانه وقایع شاه و شکارهای او و دیگر افراد را ثبت می کردند. هم چنین، در این دوره، دستگاه عکاسی رواج یافته بود و عده ای از افراد در رکاب شاه و شاهزادگان بودند که هر گاه آنان گونه ارزشمندی را شکار می کردند، از آن عکس می گرفتند (شیبانی ۱۳۷۴: ۳۰۶-۳۰۷).

ناصرالدین شاه سلطانی دائم السفر بود و برای کسب افتخارات ناشی از شکار گونه های ارزشمند رنج مسافرت های طولانی را به جان می خرید و در این مسیر، گاه اتفاقات

ناگواری برای او پیش می‌آمد (هدایت بی‌تا: ۱۲۹)، اما با وجود این شاه هم‌چنان به شکار علاقه‌مند بود. یکی دیگر از دلایل اهمیت شکار برای شاه و اطرافیانش این بود که شاه هم از جنبه تفننی آن محظوظ می‌شد و هم از جنبه‌های معیشتی - نمایشی آن. شکار امری پرزحمت و پرهزینه بود، اما فوایدی که از شکار عاید شاه و اشراف می‌شد موجب شده بود که محنت شکار نادیده گرفته شود و با اشتیاق تمام انجام شود. ناصرالدین شاه بی‌اندازه به تفریحات به‌ویژه شکار علاقه داشت (دالمانی ۱۳۳۵: ۱۶۳؛ اورسل ۱۳۸۲: ۲۹۳) و اوقاتش را به شکار و سواری و تفریح می‌گذراند (ناصرالدین شاه ۱۳۶۷: هشت؛ مستوفی ۱۳۸۸: ج ۱، ۴۱۳؛ نجمی ۱۳۶۷: ۱۸۴). لذتی که شکار نصیب شاه می‌کرد باعث شده بود که از آسایش، رفاه تجملی، و غذای لذیذ حرم بگذرد و زندگی سخت و خشن شکاری را ترجیح دهد (وامبری ۱۳۷۲: ۳۰۴). شاه و هم‌راهانش در موقعیت‌های مختلف هم‌چون مسیر رفت‌وآمد به شهرها و مناطق دور و نزدیک (اعتمادالسلطنه ۱۳۶۳: ۶۲)، هنگام گردش (عین‌السلطنه ۱۳۷۴: ج ۱، ۱۳۸؛ اعتمادالسلطنه ۱۳۷۷: ۱۶۴)، هنگام زیارت امام‌زاده‌ها (عین‌السلطنه ۱۳۷۴: ج ۱، ۶۱۸)، و حتی در شرایط نامساعد جوی (همان: ۲۷) شکار می‌کردند. هم‌چنین، در طی مسافرت‌های دریایی، که با کشتی انجام می‌شد، به شکار پرندگان و آبزیان مشغول می‌شدند (عزالدوله و ملکونوف ۱۳۶۳: ۷۰). در واقع، شکارگاه صحنه‌ای بود برای نمایش قدرت شاهانه که تحسین دیگران را به دنبال داشت و رغبت شاه برای شکار بیش‌تر می‌شد (بیانی ۱۳۷۵: ج ۱، ۴۸). شکار شاه معمولاً به صورت جمعی و با هم‌راهی شاه‌زادگان و ملازمانش بود. در این مواقع، اولویت شکار ابتدا با شاه بود (اعتمادالسلطنه ۱۳۷۷: ۹۲۳). در مواقعی که شکار ارزش‌مندی نصیب شاه می‌شد خیلی مسرور بود (همان: ۲۰۴) و هرگاه موفق به شکار نمی‌شد، افرادی که از علاقه شاه مطلع بودند، شکار دیگران را به او نسبت می‌دادند تا رضایت خاطرش را جلب کنند (همان: ۱۰۱، ۱۸۷-۱۸۸، ۳۷۹). گاهی شکار برخی از گونه‌های مهم چند شبانه‌روز زمان می‌برد (آریا ۱۳۷۶: ۶۷-۶۸). از این‌رو، ناصرالدین شاه بیش از دیگر شاهان قاجار به ساخت عمارت در شکارگاه‌ها علاقه نشان داد. او نه ماه از سال را به سفرهای کوتاه برای شکار و تفریح می‌گذراند (وامبری ۱۳۷۲: ۳۰۴؛ دالمانی ۱۳۳۵: ۶۴) و همین به ساخت عمارت‌های مختلفی در شکارگاه‌ها منجر شد. در دوره قاجار، به‌ویژه در عصر ناصری، مناطقی برای شکار و شکارگری وجود داشت که شاه با مقربانش مدتی را در آن مناطق می‌گذراند. مکان‌هایی مانند پس‌قلعه در دل کوه‌ها و دامنه‌های آن مورد توجه خاص ناصرالدین شاه بود و وی از این مناطق به‌عنوان شکارگاه

استفاده می‌کرد (بروگش ۱۳۶۷: ج ۱، ۱۶۵). وی عمارات دوشان‌تپه، عشرت‌آباد، صاحب‌قرانیه، سلطنت‌آباد، شکارگاه جاجرود، سرخه‌حصار، و شهرستانک را ساخت (مستوفی ۱۳۸۸: ج ۱، ۴۰۷؛ بنجامین ۱۳۶۳: ۱۴۹). علاقه و ذوق خاندان قاجار به شکار موجب شد که بیش‌تر اطراف تهران به شکارگاه تبدیل شود (اوبن ۱۳۶۲: ۲۶۴). همین ذوق شکار سبب شده بود تا ناصرالدین‌شاه اغلب گردش‌های خود را در باغ‌وحش بگذرانند (سرنا ۱۳۶۲: ۸۲). علاقه افراطی شاه به شکار (تاج‌السلطنه ۱۳۶۱: ۱۸) او را چنان حریص کرده بود که گاه قوانینی وضع می‌کرد که افرادش درحین شکار عقب‌تر از او بیایند تا خود با فراغ‌بال بیش‌تری شکارگری کند (اعتمادالسلطنه ۱۳۷۷: ۶۰۷)، زیرا در شکارهای گروهی، به‌دلیل تیراندازی هم‌زمان، شکارچی اصلی معلوم نمی‌شد (عین‌السلطنه ۱۳۷۴: ج ۱، ۶۲۱-۶۲۲؛ عزیزالسلطان ۱۳۷۶: ج ۲، ۱۴۱۷). شاه‌زادگان هم اکثر مواقع به‌صورت جمعی به شکار رفته و اوقات می‌گذرانند (معیرالممالک ۱۳۹۰: ۹۲-۹۳)، هرچند گاهی با همه تدارکی که برای شکار دیده بودند موفق به زدن یک گونه جانوری هم نمی‌شدند (مسعودمیرزا ۱۳۶۲: ۱۴۱).

یکی دیگر از نکاتی که باید به آن توجه کرد هم‌راهی زنان حرم‌سرا با شاه در هنگام شکار بود. شاه به‌دلیل این‌که مدت‌های مدیدی را برای شکارگری در مناطقی دور از حرم به‌سر می‌برد، لذا عده‌ای از زنان حرم‌سرا را با خود هم‌راه می‌کرد و زنان هم درکنار شاه به شکار حیوانات می‌پرداختند و در شکارگری مهارت لازم را به‌دست آورده بودند (بنجامین ۱۳۶۳: ۱۴۸). نمونه بارز زنان شکارگر معشوقه ناصرالدین‌شاه یعنی جیران تجریشی بود که در قرق‌های سلطنتی شاه ازسویی و جیران ازسوی دیگر به شکارگری می‌پرداختند (معیرالممالک ۱۳۶۱: ۳۹).

مظفرالدین‌شاه هم در زمینه شکارگری مهارت داشت و تعداد زیادی از گونه‌های ارزش‌مند توسط او شکار شدند (عزیزالسلطان ۱۳۷۶: ج ۱، ۸۵۲)، اما باوجود علاقه‌ای که داشت (ملک‌المورخین بی‌تا: ج ۱، ۸۳)، به‌دلیل مشکلات و ناتوانی جسمی، توان حرکت و جست‌وجو برای شکار را نداشت. بدین جهت ملازمانش در حضور او انواع گونه‌های مهم را شکار می‌کردند. او گاه تعدادی از افرادش را به اطراف و مناطق مختلف می‌فرستاد تا شکارگری کنند (عین‌السلطنه ۱۳۷۶: ج ۲، ۱۶۲۸). گاهی نیز باوجود مخالفت مظفرالدین‌شاه با شکار حیوانات هم‌راهانش در حضور او دست به شکار انواع گونه‌های جانوری می‌زدند (همان: ۱۲۲۳، ۱۶۲۸). در زمان حکومت مظفرالدین‌شاه، قلدغن‌بودن شکار محدود و

تحلیلی بر عوامل مؤثر بر شکار ... (زهر قنبری و سهم‌الدین خزایی) ۱۸۳

منحصر به تهران شد (عین‌السلطنه ۱۳۷۷: ج ۳، ۲۰۵۶-۲۰۵۷؛ افضل‌الملک ۱۳۶۱: ۵) که احتمال می‌رود دلیل این محدودیت کاسته‌شدن میزان شکارگری در زمان این پادشاه بود. طبیعتاً قدغن‌های موجود باعث می‌شد که بسیاری از گونه‌های جانوری در امان بمانند و به تبع تعدادشان نیز بیش‌تر شود (عین‌السلطنه ۱۳۷۷: ج ۳، ۲۰۵۷). یکی از نتایج انقلاب مشروطه نیز توجه به محیط‌زیست و حفظ گونه‌های جانوری بود و همین سبب شد تا در زمان مشروطه شکار به‌طور کلی منسوخ شود (همان: ۲۰۵۶-۲۰۵۷). بنابراین، پس از انقلاب مشروطه، شکار شاهانه جایگاه خود را از دست داد و موانع قانونی برای این کار به‌وجود آمد.

۳. عوامل مؤثر بر شکارگری در عصر ناصری

در عصر ناصری، عوامل متعددی سبب شده بود تا شکارگری دچار نوسان شده و گاه پررونق و گاهی امر شکار دچار رکود و سستی شود. این عوامل عبارت بودند از:

۱.۳ آب‌وهوا

یکی از مهم‌ترین مسائلی که بر روند شکارگری در عصر ناصری تأثیر می‌گذاشت مسئله آب‌وهوا و شرایط جوی بود. بسیاری از شکارها در فصول خاصی از سال انجام می‌شد. در واقع، شاه، اشراف، و مردم عادی برای شکار هر یک از گونه‌های جانوری در فصلی از سال، که مناسب برای شکار آن گونه بود، اقدام می‌کردند (عین‌السلطنه ۱۳۷۸: ج ۶، ۴۳۰۰) و به این مسئله، که هر گونه جانوری را در فصل، مکان، و آب‌وهوای مخصوص به خود شکار شود، اشراف داشتند. فصل زمستان و هوای برفی برای شکار گونه‌هایی هم‌چون کبک مناسب‌ترین زمان بود. منطقه جاجرود یکی از شکارگاه‌هایی بود که شاه اغلب برای شکار کبک به آن‌جا می‌رفت و معمولاً دو هفته در دره جاجرود می‌ماند (امانت ۱۳۸۳: ۴۰۴). در مواقعی که زمین پوشیده از برف بود شاه برای شکار کبک به جاجرود می‌رفت (ویشارد ۱۳۶۳: ۳۲۲) و تعداد بی‌شماری از گونه کبک را شکار می‌کرد، چون در این مناطق فقط در هوای برفی گونه‌های زیادی جمع می‌شدند (روزنامه وقایع اتفاقیه ۱۳۷۳: ج ۱، ۶۲۹) و با وجود هوای سرد و برفی در درون چادرهای روباز (پولاک ۱۳۶۸: ۱۳۱) چند روزی در آن‌جا توقف می‌شد (روزنامه وقایع اتفاقیه ۱۳۷۳: ج ۱، ۴۷۱). مردمان عادی هم در هوای برفی و در نقاط مختلف مشغول شکار کبک می‌شدند (عین‌السلطنه ۱۳۷۷: ج ۵، ۳۲۶۱).

البته هوای سرد و برفی برای شکار همه گونه‌های جانوری مناسب نبود و در برخی از مناطق هم به دلیل وجود سرما تعداد گونه‌های جانوری به شدت کم می‌شد (عین‌السلطنه ۱۳۷۹: ج ۸، ۱۶۱۷۳). گاه، به علت نامناسب بودن شرایط جوی، شاهزادگان با همه تبحری که در شکارگری داشتند تنها می‌توانستند تعدادی کمی از گونه‌های جانوری را شکار کنند (عین‌السلطنه ۱۳۷۴: ج ۱، ۲۷).

اما برخی از مناطق، که آب‌وهوای معتدل داشت، برای شکار بسیاری از حیوانات مناسب بود (همان: ۱۶۹). بسیاری از مناطق به دلایل مختلف دارای انواع و اقسام حیوانات بودند و لذا مورد توجه شاه قرار می‌گرفتند. یکی از این مناطق جنگل‌های اطراف مازندران بود که شاه برای شکار انواع طیور به آن‌جا می‌رفت (روزنامه/ایران ۱۳۷۴: ج ۱، ۴۸۵). از دیگر مناطق مهم و مورد توجه شاه، به دلیل وفور صید و خوش آب‌وهوای بودن، منطقه جاجرود بود (هدایت ۱۳۸۰: ج ۱۰، ۸۷۳۰).

۲.۳ قرقگاه‌ها و ممنوعیت شکار در برخی مناطق

از دیگر مسائلی که بر شکارگری شاه و اطرافیان او تأثیر می‌گذاشت قرق کردن مناطق مختلف و قدغن کردن شکار بود (مسعود میرزا ۱۳۶۲: ۴۹؛ عین‌السلطنه ۱۳۸۰: ج ۱۰، ۷۶۳۴-۷۶۳۵). قدغن کردن شکار در برخی مناطق دلایلی مختلفی داشت؛ در برخی مناطق، فقط در صورت داشتن مجوز و بلیت امکان شکار کردن وجود داشت (معیرالممالک ۱۳۹۰: ۲۲؛ ناصرالدین شاه ۱۳۹۹: ۲۵). گاهی به دلیل نزدیک بودن شکارگاه به روستاها و سروصدایی که حاصل از شلیک شکارچیان بود پلیس‌ها شکار در این مناطق را قدغن می‌کردند (معیرالممالک ۱۳۹۰: ۲۲، ۴۱). قدغن کردن شکار در برخی مناطق فقط توسط شاه صورت می‌گرفت و به آن قرق سلطنتی می‌گفتند و تنها شاه به هم‌راه زنانش به شکار می‌پرداختند (معیرالممالک ۱۳۶۱: ۳۹). در این دوره، قرق شخصی هم وجود داشت (مسعود میرزا ۱۳۶۲: ۴۸) و قرق کردن مناطق شکار به شاه محدود نمی‌شد، بلکه برخی از درباریان هم اجازه این کار را داشتند (عین‌السلطنه ۱۳۸۰: ج ۱۰، ۷۶۳۴-۷۶۳۵).

۳.۳ حضور شکارچیان مختلف در شکارگاه‌ها

یکی از عواملی که در امر شکار مؤثر بود و جریان شکار کردن را سخت و کند می‌کرد این بود که شکار در برخی از شکارگاه‌ها مورد توجه شاه و بسیاری از دیگر افراد بود و به دلیل

تحلیلی بر عوامل مؤثر بر شکار ... (زهر قنبری و سهم‌الدین خزایی) ۱۸۵

حضور مکرر شکارچیان متعدد در این مناطق، گونه‌های جانوری با صدای تفنگ و شکارچی آشنا شده بودند (عین‌السلطنه ۱۳۷۴: ج ۱، ۱۵۳-۱۵۴، ۱۹۱، ۲۴۹-۲۵۰) و با دیدن شکارچی‌ها و شنیدن صدای شلیک اسلحه، به‌سرعت خود را در کوه‌ها پنهان کرده و پیداکردن و شکارشان کار دشواری بود. از آن‌جاکه در برخی از شکارگاه‌ها شکارکردن برای همه افراد با هر منصبی آزاد بود، این مسئله موجب شده بود که همه به‌صورت مداوم شکارگری کنند و حضور بسیاری از شکارچیان در برخی مناطق موجب شده بود که حتی در مواقعی شکاری نصیب شاه‌زادگان نشود (همان: ۲۱۹).

۴.۳ هم‌راهی تعداد زیادی از شاه‌زادگان و خدمه با شاه در شکارگاه

هم‌راهی تعداد زیادی از شاه‌زادگان و خدمه با شاه موجب شده بود که شکار شاه با خلل مواجه شود؛ از این‌رو، ناصرالدین‌شاه گاهی دستور می‌داد که افرادی که فاصله پشت‌سر او بیایند (اعتمادالسلطنه ۱۳۷۷: ۶۰۷). شاه با همه مهارتی که داشت در مواقعی موفق به شکار نمی‌شد. از همین‌رو، برخی از افرادی که برای شکار می‌فرستاد، اما میل داشت که آنان هم شکار نکنند. آنان هم گاهی گونه‌هایی هم‌چون قوچ را شکار می‌کردند که مزید بر علت شده و بر آزردن خاطر شاه می‌افزود (همان: ۵۰۹). شکارهایی که توسط درباریان انجام می‌شد و اسباب دل‌خوری شاه را فراهم می‌کرد موجب شده بود که شاه حضور این افراد را در رکابش قدغن کند (همان: ۹۲۳). گاهی به دلایل مختلف شاه‌زادگان و ملتزمان رکاب شاه را از شکار برخی گونه‌های جانوری منع می‌کردند (ناصرالدین‌شاه ۱۳۷۸: ۴۱۳؛ قاضی‌ها ۱۳۸۹: ۱۱۳). در این میان، عده‌ای از افراد هم حضور داشتند که در شکار شاه او را هم‌راهی کرده و با فریادزدن و به‌صدا درآوردن طبل، حیوانات وحشی را به‌طرف شاه رم می‌دادند که شاه به‌آسانی بتواند با آن‌ها روبه‌رو شده و آن گونه‌ها را شکار کند (بروگش ۱۳۶۷: ج ۱، ۲۱۴).

۵.۳ شکار بی‌رویه و کم‌شدن گونه‌های جانوری

شکارهای بی‌درپی و افراط در شکار یک گونه خاص موجب شده بود که تعداد آن گونه به‌سرعت تقلیل یافته و حتی در مواردی به تعداد انگشت‌شماری برسد (عین‌السلطنه ۱۳۷۷: ج ۵، ۳۹۵۲). در مواقعی تعداد شکار تاندازه‌ای کم می‌شد که شاه‌زادگان برای کسی که

موفق به شکار آن گونه می شد انعام تعیین می کردند (همان: ج ۴، ۳۰۱۶-۳۰۱۷). مناطق خوش آب و هوا بیش تر مورد توجه و هجوم شکارچیان قرار می گرفت (عین السلطنه ۱۳۷۴: ج ۱، ۱۶۹؛ معیرالممالک ۱۳۹۰: ۲۲؛ روزنامه وقایع/تفاهیه ۱۳۷۳: ج ۲، ۹۵۸). همین امر موجب شده بود تا شکارگاه‌هایی هم چون جاجرود در حوزه جانوری و گیاهی تا اندازه‌ای آسیب ببینند و فقط نامی از آن‌ها باقی بماند (عین السلطنه ۱۳۷۶: ج ۲، ۱۳۶۴-۱۳۶۵). در مجموع، ایام حکومت ناصرالدین شاه به دلیل رواج شکار بی‌رویه شاه و اطرافیان او سبب شد تا شکارگری در فصل بهار در تهران و سایر ولایات قدغن شود.

در این میان، یک عده به تعداد پنجاه‌صفت نفری بودند به نام تفنگ‌داران خاصه و تحت ریاست تفنگ‌دارباشی بوده و سالی صد تا دویست تومان موجب می گرفتند (نجمی ۱۳۶۷: ۱۸۳). در مناطقی که دارای انواع گونه‌های جانوری به تعداد زیاد بودند شاه‌زادگان و شکارچیان به صورت شبانه‌روز شکارگری می کردند (مسعودمیرزا ۱۳۶۲: ۱۴۳).

۶.۳ تعدد شکارگاه‌ها

از دیگر مسائل مهم و تأثیرگذار بر شکار و شکارگری وجود شکارگاه‌های فراوان بود. منطقه‌ای به عنوان شکارگاه شناخته می شد که دارای تعداد زیادی از گونه‌های جانوری بود (روزنامه/ایران ۱۳۷۴: ج ۱، ۴۸۵). در این زمان، تهران و اطراف آن مناطقی خوش آب و هوا بوده و دارای مراتع وسیع بود. از این رو، مورد توجه شاه قرار گرفته و اکثر شکارهایش را در این مناطق انجام می داد. وجود شکارگاه‌های فراوان در تهران و اطراف آن (اوبن ۱۳۶۲: ۲۶۴) موجب شده بود که شاه و دیگر افراد هرچه بیش تر به شکار ترغیب شوند.

شکارگاه‌هایی از قبیل دوشان‌تپه (ویشارد ۱۳۶۳: ۱۱۳) و سواحل جاجرود به دلیل دارابودن گونه‌های مختلف جانوری سبب می شد تا شاه و ملازمان وی چند روزی را در آن جا توقف کنند (فووریه ۱۳۸۵: ۱۵۳؛ اعتمادالسلطنه ۱۳۶۷: ج ۲، ۱۱۵۱؛ هدایت ۱۳۸۰: ج ۱۰، ۸۷۳۰). شکارگاه جاجرود از مهم‌ترین و اصلی‌ترین مناطقی بود که به دلیل وفور انواع گونه‌های جانوری، برای شاه و سایر افراد منطقه مهمی محسوب می شد. هدایت آن را چنین توصیف می کند: «مرز و بوم شکارگاه جاجرود به وفور صید و نزهت ارمن و غدوبت ماه و صفوت هوا معروف است و غالب اوقات به شکار گور و گوزن و اصطیاد سباع و ضباع راغب و شاغل بود» (هدایت ۱۳۸۰: ج ۱۰، ۸۷۳۰). شکارگاه جاجرود و دوشان‌تپه

دارای تعداد زیادی از گونه‌های ارزشمند بود؛ از این رو، شاه قاجار دائماً در این مناطق به سر می‌برد. یکی دیگر از اقامتگاه‌های تابستانی ناصرالدین‌شاه شهرستانک در شمال تهران بود (بنجامین ۱۳۶۲: ۱۴۹). در شکارگاه‌هایی که مورد توجه شاه بود رسیدگی‌هایی صورت می‌گرفت. برای نمونه در صحرای دوشان‌تپه، که آب وجود نداشت، دستور داده شد که قنات حفر کنند (اعتمادالسلطنه ۱۳۶۷: ج ۲، ۱۳۸۷). همین‌طور ساخت عمارت‌ها، ساختمان‌ها (مستوفی ۱۳۸۸: ج ۱، ۴۰۷؛ عین‌السلطنه ۱۳۷۸: ج ۷، ۵۶۰۸)، قصرها (بروگش ۱۳۶۷: ج ۱، ۱۶۱؛ بنجامین ۱۳۶۳: ۸۵)، ویلا (اورسل ۱۳۸۲: ۲۹۷)، و استراحتگاه در شکارگاه نیز موجب شده بود که شاه با خاطری آسوده و فراغ‌بال چند روزی را به شکارگری در این مناطق بپردازد. ناصرالدین‌شاه همیشه قبل از شکار به این استراحتگاه‌ها رفته و پس از استراحتی کوتاه عازم شکار می‌شد (بنجامین ۱۳۶۳: ۸۵).

۷.۳ توانایی جسمی و رقابت در شکار

قدرت و توانایی بدنی شاه و درباریان نیز از مسائل تأثیرگذار در امر شکارگری بود. ناصرالدین‌شاه در شکار انواع گونه‌های جانوری از توانایی بالایی برخوردار بود و از این توانایی نهایت بهره را می‌برد (بنجامین ۱۳۶۳: ۱۴۸؛ ناصرالدین‌شاه ۱۳۹۹: ۳۶۷). از آن‌جاکه شاه مهارت و توانایی شکار انواع حیوانات را داشت، ملازمانش نیز هم‌پای با او به شکار می‌پرداختند (عین‌السلطنه ۱۳۷۶: ج ۲، ۱۲۲۳). البته گاهی افراد زیردست شاه نیز مانعی برای شکارگری شاه شده و از تیراندازی شاه جلوگیری می‌کردند. در این موارد نیز گاهی شاه مطیع افرادش بود (ناصرالدین‌شاه ۱۳۷۸: ۴۱۳).

از آن‌جاکه شکار برای شاه و همه درباریان آزاد بود، رقابت‌هایی برای شکار بیش‌تر بین آنان شکل می‌گرفت که به اعمال برخی از قوانین توسط شاه منجر شده بود. از قوانینی که توسط شاه در حین شکار وضع شده بود این‌که افرادش دوپست قدم عقب‌تر از او بیایند تا شاه بتواند با خاطری آسوده شکار کند (اعتمادالسلطنه ۱۳۷۷: ۶۰۷). حسادت شاه به اطرافیان بر سر شکارگری فقط در بین شاهان قاجار رایج نبود، بلکه در دوره صفوی هم به دلیل اهمیت شکار این مسائل وجود داشته است (تاورنیه ۱۳۳۶: ۴۹۷). در شکارگری، گاه بین شاه، درباریان، و حتی فرانش‌ها هم رقابت وجود داشت (اعتمادالسلطنه ۱۳۷۷: ۴۶۹). در زمان ناصری، رقابت‌ها زمانی حساس‌تر می‌شد که گونه ارزشمندی هم‌چون پلنگ دیده می‌شد (عین‌السلطنه ۱۳۷۶: ج ۲، ۱۳۶۲-۱۳۶۳).

۸.۳ باورهای خرافی

شکارگری در این زمان با برخی از عقاید خرافی و سخنان بی‌اصل و اساس درآمیخته شده بود. یکی از عقاید شاه درباره شکار اعتقاد به سعد یا نحس بودن زمان شکار بود، لذا تعدادی از منجمان حضور داشتند که شاه قاجار روز و ساعت سعد و مناسب برای شکار را از آنان جویا می‌شد (پولاک ۱۳۶۸: ۱۳۳؛ زین‌العابدین مراغه‌ای بی تا: ۱۱۸) و طبیعتاً زمان بسیاری از سفرهای شکاری به دلیل همین اندیشه‌ها تغییر می‌کرد. یکی از باورهای خرافی راجع به شکار در این دوره این بود که اگر شاه هنگام شکار شاخ حیوان شکارشده را می‌دید، آن روز را خوش‌یمن می‌دانست (ناصرالدین شاه ۱۳۷۸: ۹۳).

۹.۳ گوناگونی ابزار شکار

تنوع در ابزار و وسایل شکار هم تأثیر زیادی در علاقه به شکارگری داشت. وجود انواع سلاح و ابزارآلات شکار در این دوره و همچنین انواع حیوانات شکاری هم‌چون باز، طرلان، قرقی، پیغو، و قوش (اوبن ۱۳۶۲: ۲۶۵؛ اعتمادالسلطنه ۱۳۶۷: ج ۱، ۵۷۱) موجب شده بود تا تنوع بسیاری در شکار انواع گونه‌ها به وجود بیاید، چراکه هر گونه‌ای را با ابزار مخصوص خود شکار می‌کردند. این ابزار سبب می‌شد تا علاقه به شکارگری هم بیش‌تر می‌شد. علاوه بر وفور ابزارآلات شکار در این دوره، قبله عالم به‌هنگام حضور در خارج از کشور (ورشو) نیز اقدام به خرید اسلحه کرد (ارفع ۱۳۷۸: ۲۳۶). در زمان ناصرالدین‌شاه، استفاده از قوش و قرقی آن‌چنان رایج بود که نه تنها شاه‌زادگان دارای این حیوانات شکاری بودند (روزنامه ایران ۱۳۷۴: ج ۱، ۲۲۵)، بلکه افرادی هم‌چون میرآخور هم به‌صورت شخصی توسط این حیوانات شکارگری می‌کردند (ناصرالدین‌شاه ۱۳۶۱: ۹۳-۹۴). البته استفاده از حیوانات شکاری هم‌چون باز و سگ شکاری در دوره‌های قبل‌تر هم‌چون دوره صفویه (کارری بی تا: ۱۵۶-۱۵۷)، افشاریه (گملین ۱۳۹۳: ۲۳۳)، و در اوایل دوره قاجار (فلاندن بی تا: ۷۲) هم متداول بوده است.

استفاده از پرده از وسایل رایج شکار بود، بدین صورت که دو ذرع طول و یک ذرع و نیم عرض داشت و پارچه سفیدی به آن دوخته و چوب‌هایی را به آن نصب می‌کردند، سپس با آن شکارگری می‌کردند (مسعودمیرزا ۱۳۶۲: ۱۴۸-۱۴۹). در این زمان، استفاده از تفنگ جاھری به دلیل گران‌بودن و وزن سنگین خیلی رایج نبود. تفنگ‌هایی که مورد استفاده

۱۱.۳ مدت زمان توقف در شکارگاه‌ها

ناصرالدین شاه نه ماه از سال را به سفرهای کوتاه برای شکار می‌گذراند (وامبری ۱۳۷۲: ۳۰۴). شاه و درباریان زمانی که به قصد شکار به شکارگاه می‌رفتند مدتی را در آن منطقه اتراق می‌کردند. معمولاً شکارهای ناصرالدین شاه زیاد به طول می‌انجامید، اما گاه به دلایل سیاسی مدت توقف در مناطق مختلف تغییر می‌کرد. هنگام ورود سفرای خارجی، طبق تشریفات درباری، شاه باید سفر را حداکثر پس از سه روز به حضور بپذیرد و اگر این مدت به طول می‌انجامد، به منزله توهین به آن کشور قلمداد می‌شد (بروگش ۱۳۶۷: ج ۱، ۱۶۵). بنابراین، گاهی پس از چند روز شکارگری در این مناطق به هم‌راه خواص رجال و خدم به مقرر حکومت برمی‌گشتند (اعتمادالسلطنه ۱۳۶۷: ج ۲، ۱۱۵۱). مدت زمان توقف شاه و اطرافیانش ثابت نبود، اما اغلب متجاوز از یک هفته نبود (پولاک ۱۳۶۸: ۱۳۱؛ روزنامه وقایع اتفاقیه ۱۳۷۴: ج ۴، ۳۰۰۴؛ روزنامه ایران ۱۳۷۴: ج ۱، ۳۰۱)، اما گاهی شاه‌زادگانی هم‌چون ظل‌السلطان، که وقت زیادی را صرف شکارگری می‌کرد، مدت چهل روز را در برخی شکارگاه‌ها توقف کرده و گونه‌های بسیاری را شکار می‌کرد (مسعودمیرزا ۱۳۶۲: ۶۴؛ سیاح ۱۳۴۶: ۴۲). رسم اتراق در شکارگاه‌ها از آدابی بود که در ابتدای دوران قاجار نیز مرسوم بوده است (شیل ۱۳۶۲: ۵۵). در فصل تابستان، شاه صاحب‌قران با زنان حرم‌سرا برای شکار به نقاط دور از پایتخت می‌رفت (بنجامین ۱۳۶۳: ۱۴۸)، اما مهم‌ترین شکار سلطنتی سالی یک بار در اواخر ماه دسامبر بود که شاه برای شکار به دره جاجرود می‌رفت (پولاک ۱۳۶۸: ۱۳۰).

۴. اهداف شکار در عصر ناصری

گرچه شکار هر گونه جانوری برای شاه و دیگر افراد مسروربخش بود، اما شکار گونه‌های نادر برای شاه بسیار غرورآفرین بود و در این میان، هیچ توجهی به نادر بودن و انقراض آن گونه نمی‌شد (روزنامه ایران ۱۳۷۴: ج ۱، ۲۷۷). شکار در عصر ناصری تنها برای سرگرمی نبود، بلکه اهداف دیگری نیز داشت که عبارت بودند از:

۱.۴ تمرین مهارت

یکی از کاربردهای شکار در دوره قاجار شکارگری برای کسب مهارت بود. شاهان، شاه‌زادگان، و همه افرادی که با شاه در ارتباط بودند هرروزه تعداد زیادی از گونه‌های

جانوری را شکار می‌کردند که این مسئله باعث شده بود مهارت فوق‌العاده‌ای در زمینه شکارگری کسب کنند. ایرانی‌ها در شکار انواع گونه‌های جانوری بسیار زبردست بودند و مهارتشان باعث شده بود که رغبت بیش‌تری برای شکار داشته باشند. شکار انواع گونه‌های جانوری برای شاه و درباریان علاوه‌براین که یکی از سرگرمی‌های لذت‌بخش محسوب می‌شد راهی برای کسب مهارت بود. بنابراین، شکار در برنامه روزانه شاه و اطرافیانش قرار گرفته بود.

ناصرالدین‌شاه در شکار حیوانات از مهارت بالایی برخوردار بود (بیانی ۱۳۷۵: ج ۱، ۵۰؛ ناصرالدین‌شاه ۱۳۶۷: ۱۳) و به‌اذعان برخی منابع، در تیراندازی زبان‌زد خاص و عام بود (افشار ۱۳۶۳: ج ۱، ۲۹؛ پولاک ۱۳۶۸: ۱۳۲). وی به‌گونه‌ای گلوله را به هدف می‌زد که حتی بهترین شکارچی‌ها هم متحیر می‌شدند (معیرالممالک ۱۳۶۱: ۳۲؛ روش‌شوار ۱۳۷۸: ۱۸۰). شکار برای شاه منحصر و محدود به زمان خاصی نبود، بلکه یکی از برنامه‌های ثابت بود که هر روز انجام می‌شد. شاه معمولاً به‌صورت انفرادی به پرنده‌ها تیراندازی می‌کرد (پولاک ۱۳۶۸: ۱۳۲). مهارت ناصرالدین‌شاه به‌حدی رسیده بود که در بیش‌تر مواقع پرنندگان درحال پرواز را به‌خوبی می‌زد (ناصرالدین‌شاه ۱۳۹۰: ۲۴۶-۲۴۷، ۲۸۰؛ ناصرالدین‌شاه ۱۳۸۹: ۵۴). وی پرنندگان کوچک را حتی از فاصله دور به‌خوبی شکار می‌کرد (فریزر ۱۳۶۴: ۱۴۴-۱۴۵؛ افشار ۱۳۶۳: ج ۱، ۲۹) و گاهی، با یک تیر، تعداد زیادی از پرنندگان را روی هوا می‌زد (اعتمادالسلطنه ۱۳۶۷: ج ۱، ۲۷۶). شکار پرنندگانی مانند بلدرچین در هوا به‌سهولت انجام نمی‌شد و فقط درصورت تمرین و ممارست میسر می‌شد، اما برای ناصرالدین‌شاه، که روزانه تعداد بی‌شماری از پرنندگان را شکار می‌کرد، به‌راحتی انجام می‌شد. شاه اغلب به‌صورت سواره و با دست چپ به‌طرف شکار تیراندازی می‌کرد و این‌گونه هنر خود را در معرض نمایش می‌گذاشت (مسعودمیرزا ۱۳۶۲: ۴۲؛ عین‌السلطنه ۱۳۷۴: ج ۱، ۱۸۶-۱۸۷). شاه و اطرافیانش آمادگی رویارویی با هر گونه جانوری را داشتند. گاهی با هدف شکار پرنده به شکارگاه می‌رفتند، اما با حیواناتی مانند پلنگ و خرس مواجه شده و اقدام به شکار آن گونه‌ها می‌کردند (روزنامه/یران ۱۳۷۴: ج ۱، ۱؛ هدایت ۱۳۸۵: ۷۱). برای شاه و سایر ملتزمان، شکار درنده‌ترین حیوانات امری عادی بوده و شکار یک حیوان وحشی مانند خرس به‌سهولت شکار یک خرگوش بود (فووریه ۱۳۸۵: ۱۵۹؛ افشار ۱۳۶۳: ج ۱، ۲۹). توانایی شاه قاجار به‌حدی رسیده بود که گاه حیواناتی از قبیل گورخر زنده را با دست می‌گرفت (اعتمادالسلطنه ۱۳۶۳: ۶۲؛ اعتمادالسلطنه ۱۳۸۵: ۷۲-۷۳). عین‌السلطنه در

این خصوص می‌گوید تبحر در این زمینه کسب نمی‌شود مگر با تمرین و تکرار بسیار. هم‌چنین، دربارهٔ مهارت مظفرالدین‌شاه می‌گوید که وی بسیاری از پرندگان را در هوا شکار می‌کرد، اما تبحر شکارگری او پایین‌تر از ناصرالدین‌شاه بود (عین‌السلطنه ۱۳۷۶: ج ۲، ۱۲۲۳). در این میان، شاه‌زادگانی بودند که در رکاب شاه بوده و پایه‌پای او شکارگری می‌کردند (شیبانی ۱۳۷۴: ۲۰۴) و حتی گاهی از شاه پیشی می‌گرفتند. یکی از این شاه‌زادگان ظل‌السلطان، فرزند ارشد ناصرالدین‌شاه، بود (اوبن ۱۳۶۲: ۲۹۰). او در هر سفری که به مناطق مختلف داشت تعداد بسیار زیادی از انواع حیوانات را شکار می‌کرد (مسعودمیرزا ۱۳۶۲: ۴۶، ۲۶۹، ۲۷۵). این شاه‌زاده به‌دلیل شکارهای متعددی که داشت مهارت فوق‌العاده‌ای کسب کرده بود و برخی شکارهایش را به‌صورت سواره و در سر تاخت اسب می‌زد (همان: ۱۴۳، ۱۵۰). از دیگر شاه‌زادگان عین‌السلطنه بود که بر اثر تمرین‌های روزانه به مهارت فوق‌العاده‌ای در زمینهٔ شکار پرندگان و دیگر حیوانات دست یافته بود و با یک تیر چند شکار را هم‌زمان می‌زد (عین‌السلطنه ۱۳۷۴: ج ۱، ۲۸-۳۵، ۱۰۷-۱۰۸، ۱۴۱). شاه‌زاده‌عزیزالسلطان هم به مهارت خود در شکار، که به‌صورت سواره و شکار از راه دور بوده، اشاره کرده است (عزیزالسلطان ۱۳۷۶: ج ۱، ۱۵۸، ۲۱۴). البته، در بین نزدیکان شاه، برخی رجال درباری بودند که در زمینهٔ شکارگری، مهارت و توانایی نداشتند. رجالی از قبیل اعتمادالسلطنه که در ابتدا فاقد توانایی و مهارت در زمینهٔ شکارگری بود (اعتمادالسلطنه ۱۳۷۷: ۶۸۵)، اما بر اثر ممارست به توانایی دست یافته و به شکار علاقه‌مند شده بود (همان: ۸۱۳). از آن‌جاکه شکار برای همه مجاز بود و حتی افراد فرودست هم اجازهٔ شکار در رکاب شاه را داشتند، این مسئله باعث شده بود که کسانی از قبیل پیش‌خدمت‌ها و امیرآخور هم بر اثر شکارهای مکرر به مهارت دست پیدا کنند (عین‌السلطنه ۱۳۷۴: ج ۱، ۲۸، ۳۰؛ ناصرالدین‌شاه ۱۳۶۱: ۱۶).

۲.۴ شناسایی گونه‌های جانوری جدید

شکار برخی از گونه‌های جانوری با هدف آگاهی نسبت به آن گونه بود. یعنی در برخی مواقع حیوانی شکار می‌شد تا به این وسیله آن گونه جدید از نزدیک مشاهده شود و نوع آن گونه شناخته شود (ناصرالدین‌شاه ۱۳۷۸: ۵۷). در چنین مواقعی، در هنگام شکار، شاه، شاه‌زادگان، و دیگر افراد با یک‌دیگر رقابت تنگاتنگی داشتند و در صورت مشاهدهٔ یک گونه جدید، به‌صورت هم‌زمان آن را موردهدف قرار می‌دادند (عین‌السلطنه ۱۳۷۴: ج ۱، ۲۹۰).

۳.۴ کارکرد معیشتی (تأمین آذوقه)

از دیگر اهداف شکار استفاده از گوشت شکار برای تغذیه بود. خوردن گوشت شکار پیش از دوره قاجار هم رایج بوده است و از گوشت شکارهایی هم چون غزال، آهو، قوچ، و بز غذا تهیه کرده و می‌خوردند (تاورنیه ۱۳۳۶: ۳۷۴). همین‌طور از گوشت گورخر وحشی، آهو، و کبک قرمز هم استفاده می‌شد (بن‌تان ۱۳۹۰: ۹۵). حیواناتی که توسط شاه یا هم‌راهانش شکار می‌شد در دو نوع حلال‌گوشت و حرام‌گوشت بود. بسیاری از پرندگان و حیوانات حلال بعد از شکار شدن به‌مصرف می‌رسیدند. زمانی که اردوی شاه برای شکار به مناطق مختلف می‌رفت، درطول مسیر از گوشت شکار استفاده می‌کردند و غذای شاه و هم‌راهانش از پرندگان و دیگر شکارها تأمین می‌شد. البته استفاده از گوشت شکار همیشه هم از سرناچاری نبود، بلکه گاهی تنها دلیل شکار یک گونه جانوری بهره‌بردن از گوشت لذیذ آن بود. از گوشت گونه‌هایی هم چون آرغالی (اعتمادالسلطنه ۱۳۷۷: ۳۹۱-۳۹۲)، قرقره (نوعی مرغ صحرائی) و تیهو (عزیزالسلطان ۱۳۷۶: ج ۱، ۲۹۵)، کبک و قرقاول (مسعودمیرزا ۱۳۶۲: ۴۹)، شوکا (گاو کوهی)، مرال، کلاغ و قوچ (عین‌السلطنه ۱۳۷۴: ج ۱، ۷۵-۷۶، ۱۲۹-۱۳۰، ۱۷۴)، گوزن (پولاک ۱۳۶۸: ۱۲۸)، آهو (رضاقلی‌میرزا قاجار ۱۳۶۱: ۱۹۰؛ معیرالممالک ۱۳۶۱: ۸۷؛ ناصرالدین‌شاه ۱۳۶۱: ۷۲-۷۴)، گنجشک کوهی (ناصرالدین‌شاه ۱۳۷۸: ۲۱۸)، میش (عزیزالسلطان ۱۳۷۶: ج ۲، ۱۰۸۲)، و ایبا (نوعی پرنده با نوک و پای دراز و گوشتی لذیذ) (عین‌السلطنه ۱۳۷۶: ج ۲، ۱۵۷۹) برای تهیه غذای لذیذ استفاده می‌شد. این گونه‌ها یا کباب می‌شدند و به‌مصرف می‌رسیدند یا طبخ مخصوص (نوائی ۱۳۶۱: ۳۲؛ فریزر ۱۳۶۴: ۲۳۸) از آنها غذاهایی نظیر کنت می‌پخت (عین‌السلطنه ۱۳۷۴: ج ۱، ۱۳۰).

در زمان شاهان قاجار، خوردن گوشت شکار نه‌تنها دربین ایرانیان رواج داشت، بلکه فرنگی‌های حاضر در ایران نیز از گوشت شکار به‌عنوان غذا استفاده می‌کردند (دوسرسی ۱۳۶۲: ۴۱). البته، به‌دلیل معتقدن‌بودن به مسائل دینی، خوردن هر نوع حیوانی برای آنان منعی نداشت و حتی از گوشت حیوانات حرام‌گوشت هم استفاده می‌کردند. در عصر ناصری، گاه فرنگی‌ها برای شکار به برخی از مناطق رفته و به‌دلیل نبود مواد غذایی، مجبور به استفاده مکرر از گوشت یک گونه جانوری بودند (روش‌شوار ۱۳۷۸: ۳۰). البته، در بیش‌تر مواقع، فرنگی‌ها هم از خوردن گوشت شکارهای حلالی هم‌چون گوزن (وامبری ۱۳۷۲: ۵۵) و برخی پرندگان (دیولافوا ۱۳۷۶: ۹۱؛ کرزن ۱۳۷۳: ۱۳۵؛ مکنزی ۱۳۵۹: ۹۳-۹۴) لذت می‌بردند.

استفاده از گوشت شکار تنها برای افراد کاربرد نداشت، بلکه اکثر حیوانات شکاری هم از گوشت گونه‌های شکار شده تغذیه می‌کردند. شاهان و هم‌راهانش، به‌هنگام شکار، تعداد زیادی از تازی‌ها و قوش و قرقی‌ها را با خود هم‌راه می‌بردند و بسیاری از گونه‌های جانوری که توسط این حیوانات شکار می‌شد به‌عنوان غذایشان استفاده می‌شد. در واقع، هم‌زمان با شکار شاه و دیگر شکارچیان، این حیوانات هم آزادانه به شکار گونه‌های دل‌خواه خود می‌پرداختند. در برخی مواقع هم شاه‌زادگان حیوانی را شکار کرده و به تازی‌ها داده تا از آن تغذیه کنند. گونه‌هایی هم چون کبک، خرگوش، بز، یلبه، روباه، طرچه، فره کبک، قرقاول، و بلدرچین (عین‌السلطنه ۱۳۷۴: ج ۱، ۳۰، ۴۹-۵۲، ۳۴۳، ۴۶۴، ۴۷۳؛ معیرالممالک ۱۳۹۰: ۱۰۷-۱۰۸، ۱۸۶؛ اعتمادالسلطنه ۱۳۶۳: ۳۱؛ ناصرالدین‌شاه ۱۳۶۱: ۹۳-۹۴) از جمله حیواناتی بودند که حیوانات شکاری از آن‌ها تغذیه می‌کردند.

۴.۴ دفع خطر (کشتن برای کشته‌نشدن)

از آن‌جا که شاهان قاجار و ملازمانشان زمان زیادی را مشغول شکارگری در مناطق مختلف بودند، طبیعتاً در این راه خطرهایی متوجه‌شان می‌شد. از این‌رو، یکی دیگر از دلایل شکار و کاربردهای آن برای دفع خطر آن‌ها بود. هرگاه شاه و هم‌راهانش با هدف شکار و تفریح به مناطق مختلف می‌رفتند و شب را در آن‌جا اتراق می‌کردند، طبیعتاً بسیاری از گونه‌های جانوری خطرناک جان آن‌ها را تهدید می‌کرد. بنابراین، برای جلوگیری از خطرهای احتمالی باید تدابیری می‌اندیشیدند. زمانی که شاه و افرادش به شکارگاه‌ها می‌رفتند، شب را در عمارت‌ها می‌گذراندند، اما در مواقعی که به کوه یا دشت‌های باز می‌رفتند هنگام شب اطراف خود را محصور می‌کردند تا از ورود حیوانات وحشی هم چون خرس جلوگیری کنند (آریا ۱۳۷۶: ۶۷-۶۸). در بسیاری از مواقع، شاه قاجار تنها برای رفع خطر یک گونه جانوری همانند پلنگ را شکار می‌کرد (افشار ۱۳۶۳: ج ۱، ۴۸۲). شکارچیان به‌هنگام اتراق در مناطق مختلف گاهی با مار و رتیل (عین‌السلطنه ۱۳۷۴: ج ۱، ۱۴۸، ۱۶۳، ۱۶۹، ۲۰۷؛ ناصرالدین‌شاه ۱۳۶۱: ۸۱) نیز مواجه می‌شدند و طبیعتاً برای دفع خطرشان باید این موجودات را از بین می‌بردند. هرگاه که خطر در کمین همه افراد بود و یک گونه جانوری جان آن‌ها را تهدید می‌کرد، توسط شاه، شاه‌زادگان، یا پیش‌خدمت‌ها شکار می‌شد.

۵.۴ هدیه‌دادن شکار

از دیگر اهداف مهم شکار در دوره قاجار فرستادن گونه‌های جانوری به‌عنوان خلعت برای افراد مختلف بود. برای هدیه‌دادن به سفرای خارجی از گونه‌هایی که ارزش هدیه‌ای داشتند استفاده می‌شد. فرستادن گوشت شکار به‌عنوان هدیه در بین همه افراد یعنی شخص شاه، شاهزادگان، و حتی افرادی هم‌چون رعایا رسمی رایج بود. یکی از اهداف فرستادن شکار اظهار ارادت و ابراز عواطف و عنایات شاهانه بود و اگر این رسم از طرف شاه ترک می‌شد دلیلی بر نارضایتی خاطر شاه بود (پولاک ۱۳۶۸: ۱۳۲). حیوانی که توسط شاه شکار شده بود برای او بسیار ارزشمند بود و آن را به هرکسی نمی‌بخشید. تنها گاهی آن‌ها را برای برخی از سفرای خارجی می‌فرستاد (معیرالممالک ۱۳۶۱: ۷۸؛ روزنامه وقایع/تفاهیم ۱۳۷۳: ج ۲، ۹۵۸). شکارهایی که برای فرنگی‌ها فرستاده می‌شد قطعاً با اهداف سیاسی هم‌راه بود. البته شاه در برخی مواقع شکار خود را برای ولی عهد (اعتمادالسلطنه ۱۳۷۷: ۶۷)، شاهزادگان (همان: ۳۹۹، ۷۲۸)، و افرادی هم‌چون ملیجک (ناصرالدین شاه ۱۳۷۸: ۱۸۱) نیز به‌عنوان هدیه می‌فرستاد. نوع شکارهایی که برای هر یک از افراد فرستاده می‌شد متفاوت بود. در مقابل، افرادی مانند شاهزادگان (ناصرالدین شاه ۱۳۹۰: ۱۴۸) و مردمان عادی (عین‌السلطنه ۱۳۷۴: ج ۱، ۱۴۹، ۸۰۵-۸۰۶؛ عین‌السلطنه ۱۳۷۶: ج ۲، ۱۱۸۷) نیز شکار خود را به شاه هدیه می‌کردند. استفاده از شکار به‌عنوان هدیه در میان شاهزادگان و درباریان نیز رایج بود و آن‌ها برای ابراز ارادت خود برای هم‌دیگر شکارشان را می‌فرستادند (عین‌السلطنه ۱۳۷۴: ج ۱، ۴۴، ۵۳-۵۴، ۴۲۴؛ اعتمادالسلطنه ۱۳۷۷: ۸۵۳؛ مسعودمیرزا ۱۳۶۲: ۶۴، ۱۵۱). گاهی نیز به‌هم‌راه شکار ابزار شکار هم به‌عنوان هدیه فرستاده می‌شد (مسعودمیرزا ۱۳۶۲: ۵۹). فرستادن شکار برای سفرای خارجی از طرف شاهزادگان هم باب بود (عین‌السلطنه ۱۳۷۴: ج ۱، ۲۲۰، ۲۸۰، ۲۸۹). از دیگر افرادی که شکار خود را به‌نشانه ارادت به شاهزادگان هدیه می‌دادند رعایا و مردم عادی بودند (شیبانی ۱۳۷۴: ۲۲۴؛ عین‌السلطنه ۱۳۷۶: ج ۲، ۱۴۹۸). حتی گاهی حیواناتی که توسط مردمان عادی شکار شده بود برای سفرای خارجی فرستاده می‌شد (عزیزالسلطان ۱۳۷۶: ج ۴، ۲۵۸۰).

کسی که گوشت شکار را برای افراد مختلف حمل می‌کرد و به دستشان می‌رساند، مبلغی در حدود پنج تا بیست تومان انعام دریافت می‌کرد (پولاک ۱۳۶۸: ۱۳۲). افزون‌بر آن، یکی از رسوم رایج در دوره قاجار دادن نازشست به‌هنگام شکار بود. نازشست انعامی بود که به‌پاداش هنرنمایی در شکار به کسی می‌دادند یا پیش‌کشی بود که نزدیکان شاه و امیر

هنگامی که وی شکاری را با تیر می زد یا درنده‌ای را به دست خود می کشت به وی تقدیم می شد (معین ۱۳۸۶: ج ۲، ۱۸۹۴). زمانی که شاه برای شکار می رفت و بسیاری از گونه‌های جانوری را شکار می کرد، از طرف هریک از اطرافیانش مبلغی را به عنوان پاداش دریافت می کرد که مورد قبول او قرار می گرفت (بروگش ۱۳۶۷: ج ۱، ۲۱۴؛ عزیزالسلطان ۱۳۷۶: ج ۲، ۱۱۹۳). شاه هم درحین شکار به شکارچیان، تیراندازان، و ملزمان رکابش انعام می داد (روزنامه وقایع اتفاقیه ۱۳۷۴: ج ۴، ۲۷۷۹). در برخی مواقع نیز درکنار پولی که داده می شد هدیه‌هایی هم چون اسب‌های ممتاز (مسعودمیرزا ۱۳۶۲: ۱۹۰)، تفنگ‌های گلوله‌زنی بسیار اعلی، تفنگ چهارپاره نمره ده، و شمشیر مرصع نمره اول خلعت داده می شد (همان: ۲۷۲). البته دادن نازشست فقط برای شاه نبود، بلکه شاهزادگان هم درهنگام شکار به هرکسی که تعدادی از گونه‌های جانوری را شکار کرده بود پاداش می دادند. این افراد حتی شامل رعایا هم می شد (عین السلطنه ۱۳۷۷: ج ۴، ۳۰۱۶-۳۰۱۷؛ عین السلطنه ۱۳۷۷: ج ۵، ۳۲۶۳-۳۲۶۴). شاهزادگان برای شکار دوستانشان هم نازشست می فرستادند (اعتمادالسلطنه ۱۳۷۷: ۷۵۹). شاه در برخی فصول سال برای شکار گونه‌های کم‌یاب هم چون کبک دری به شکارگاه‌ها می رفت و مدت زیادی را در جست‌وجوی یافتن آن گونه صرف می کرد و پس از یافتن، آن گونه را به عنوان هدیه برای رجال مورد توجه می فرستاد (بروگش ۱۳۶۷: ج ۲، ۵۴۴). درواقع، بخش اعظمی از شکارها با هدف هدیه‌دادن آن گونه‌ها شکار می شد.

۶.۴ درآمدزایی از شکار

گروهی از مردمان عادی هم بودند که از راه شکار درآمد کسب می کردند، بدین صورت که هرگاه گرگ‌ها به گله‌های گوسفند چوپانان حمله کرده، خسارات زیادی را بر آنان وارد می کردند و چوپانان توانایی مقابله با آن‌ها را نداشتند، عده‌ای از افراد بودند که درازای ازبین بردن این گونه حیوانات از چوپانان مبلغی دریافت می کردند و این گونه کسب درآمد می کردند (هدین بی تا: ۴۱۷-۴۱۸). یکی دیگر از آدابی که در شکارگری رایج بود خریداری گونه‌های شکارشده دیگران بود. برخی شاهزادگان حیواناتی را که توسط دیگر افراد شکار شده بود به مبلغی معین خریداری می کردند (عین السلطنه ۱۳۷۴: ج ۱، ۱۹۲).

از دیگر منافع و کارکردهای شکار برای افراد عادی استفاده از پوست حیوانات شکارشده بود. شاه و اطرافیان او در برخی مواقع علاوه بر استفاده از گوشت حیوانات از پوست آن‌ها هم بهره می بردند. گاهی پوست حیوانات شکارشده مانند خرس و روباه را

تحلیلی بر عوامل مؤثر بر شکار ... (زهر قنبری و سهم‌الدین خزایی) ۱۹۷

جدا می‌کردند (عین‌السلطنه ۱۳۷۴: ج ۱، ۶۲۵-۶۲۷؛ اعتمادالسلطنه ۱۳۶۷: ج ۴، ۱۸۸۰) و به فروش می‌رساندند. پوست شکار برای افراد عادی به‌عنوان یک منبع درآمد بود. در واقع، عده‌ای از افراد برخی گونه‌ها را شکار می‌کردند تا از فروش پوست آن درآمدی کسب کنند. البته پوست هر حیوانی برای دباغی کردن مناسب نبود و تنها پوست برخی گونه‌ها هم‌چون گورخر و آرغالی برای دباغی کردن و فروش به‌کار می‌آمد (پولاک ۱۳۶۸: ۱۲۸). اهالی برخی مناطق نیز در زمستان گونه‌هایی مانند روباه و دله را با تفنگ و تله شکار می‌کردند و پوست آن‌را با قیمتی گزاف به ارامنه و یهود می‌فروختند (اعتمادالسلطنه ۱۳۶۷: ج ۴، ۱۸۸۰). شرط‌بندی بر سر شکار از دیگر آدابی بود که توسط برخی شاهزادگان انجام می‌شد، بدین صورت که قبل از شکار با یک‌دیگر شرط می‌کردند که چند عدد از یک گونه جانوری را شکار کنند. اگر از عهده انجام آن برمی‌آمدند که شرط را برده بودند و در غیر این صورت چیزی را درازای باختن شرط از دست می‌دادند. ظل‌السلطان از شاهزادگانی بود که بر سر شکار با خیلی از دیگر شاهزادگان شرط می‌گذاشت. وی می‌گوید:

یک روز با ایلخانی شرط بستم که اگر من یک‌صد عدد کبک و خرگوش بزنم تا شام، او یک اسب به من پیش‌کش بدهد و اگر نردم من اسب کهر دولت بای ترکمانی خودم را بدهم. آن روز سعی بسیار کردم ولی بیش‌تر از پنجاه و چهار قطعه کبک و خرگوش زده نشد. اسب را با یک تپانچه رولور به جناب ایلخانی که باخته بودم دادم (مسعود میرزا ۱۳۶۲: ۱۴۵، ۲۶۹).

۷.۴ طعمه کردن شکار

یکی دیگر از کاربردهایی که شکار داشت استفاده از حیوانات شکارشده برای به‌دام‌انداختن سایر گونه‌ها بود. به‌عنوان مثال، گاهی حیواناتی هم‌چون خرس را، که شکار کرده بودند، در محیطی باز رها می‌کردند تا به‌وسیله آن گونه‌هایی هم‌چون لاشخورها را شکار کنند (عین‌السلطنه ۱۳۷۴: ج ۱، ۶۲۴).

۵. پی‌آمدهای شکار بی‌رویه در عصر ناصری

شاه، شاهزادگان، و همه اطرافیان او از روند تخریب محیط‌زیست جانوری مطلع بودند، زیرا به‌واسطه شکارهای بی‌رویه و وفور شکارچی (عین‌السلطنه ۱۳۷۴: ج ۱، ۱۸۷) به‌مرور از

تعداد گونه‌های جانوری کاسته شده و همه از این موضوع اطلاع داشتند، تاجایی که شاهزادگان به این مسئله اقرار کردند که در برخی شکارگاه‌های مهم حتی یک مورد گونه جانوری هم یافت نشده که شکار کنند (عین‌السلطنه ۱۳۷۷: ج ۵، ۳۹۵۲)، اما باوجود این هیچ اقدامی برای ممانعت از تخریب بیش‌تر زیست جانوری نکردند، چراکه درکی از محیط زیست به‌مثابه یک مسئله وجود نداشت.

باوجود این که برخی افراد توسط شاه مسئول مراقبت از باغ‌وحش و برخی از گونه‌های جانوری بودند، اما این محافظت برای حفظ گونه‌های جانوری از آسیب نبود و احتمالاً می‌خواستند این گونه‌های جانوری را دیگران شکار نکنند تا افتخار شکار آن‌ها نصیب شخص شاه شود. البته، باوجود داشتن مسئولیت، محافظان کار خود را نیز به‌درستی انجام نمی‌دادند و این امر برای آن‌ها مسئله مهمی نبود، تا آن‌جا که گونه‌های موجود در باغ‌وحش‌ها به‌دلیل قصور و کوتاهی کردن متصدیان مربوطه به‌تدریج تلف می‌شدند (نجمی ۱۳۶۷: ۲۵۰). هم‌چنین، برخی از پلیس‌هایی که مسئول قدغن کردن شکار در قرقگاه‌ها بودند و از شکار گونه‌های جانوری توسط دیگران جلوگیری می‌کردند، خودشان به شکار حیوانات می‌پرداختند (معیرالممالک ۱۳۹۰: ۱۸۶).

۶. نتیجه‌گیری

شکارگری در زمان اکثر شاهان قاجار رایج بوده است، اما در عصر ناصری توجه ویژه‌ای به آن می‌شد، زیرا ناصرالدین‌شاه بیش از هرچیزی به تفریح و سرگرمی مشغول بود و دوران طولانی حکومت او نیز بستر و زمینه‌ای را فراهم می‌کرد که به مسائلی غیر از امورات سیاسی و حکومت‌داری بپردازد. البته، درکنار شخص شاه و شاهزادگان، تعداد زیادی از درباریان و مردم عادی این دوره نیز به تفریح و شکارگری سرگرم بودند. در این پژوهش، مجموعه‌ای از کتب، روزنامه‌ها، خاطرات، و اسناد بررسی شد که نتایج حاصل از آن بیان‌گر این بود که رشته‌ای از عوامل بر روند شکارگری شاه و ملتزمان رکابش تأثیرگذار بوده‌اند؛ عواملی از قبیل آب‌وهوا که یکی از مهم‌ترین مسائل درخصوص شکار بود، زیرا شکار هر گونه جانوری در فصلی از سال انجام می‌شد و زمان ویژه خود را می‌طلبید. وجود قرقگاه‌ها هم از دیگر مسائل مهم بود، زیرا در برخی از شکارگاه‌ها، به‌سبب شکار دیگران، شکار شاه و درباریان با خلل مواجه می‌شد. توجه به زمان شکار و باور به سعد یا نحس بودن زمان شکار هم از مسائلی بود که در روند شکارگری شاه تغییر ایجاد می‌کرد. هم‌چنین، حضور

شکارچیان مختلف در شکارگاه‌ها شکار حیوانات را سخت‌تر می‌کرد و حیوانات با دیدن شکارچی می‌گریختند. گاهی هم همراهی تعداد زیادی از درباریان با شاه موجب شده بود که شکار شاه با مشکل روبه‌رو شود. شکارهای پی‌درپی و افراطی تعداد گونه‌های جانوری را به سرعت تقلیل داده و همین مسئله در شکار شاه و درباریان هم تأثیر می‌گذاشت. در این میان، برخی از عواملی که شاه و ملتزمان را به شکار ترغیب می‌کرد وجود شکارگاه‌های فراوان بود و همین‌طور بنای اقامتگاه در شکارگاه‌ها. از دیگر مسائل تأثیرگذار در امر شکار توانایی جسمی شاه و دیگر شکارچیان بود، زیرا شکار برخی از گونه‌ها هم‌چون پلنگ قدرت جسمی بالایی را می‌طلبید. در این میان، تنوع در ابزارآلات شکار علاقه شکارچیان به شکار را دوجندان کرده بود. از عوامل دیگر، که به شاه و شکارچیان انگیزه مضاعف می‌داد، تحسین و تمجیدی بود که پس از یک شکار موفقیت‌آمیز نصیب آن‌ها می‌شد. شکار و شکارگری در عصر قاجار کارکردهای زیادی داشته است، گرچه نخستین هدف شکارگری در این دوره سرگرمی و تفریح بود، اما حقیقت امر این است که علاوه بر تفریح و گذران اوقات فراغت، تمرین روزانه شکارگری برای دستیابی به تبحر هرچه بیشتر و تقویت توان نظامی، ارضای حس سلحشوری و نشان‌دادن قدرت شکارگری به دیگران، استفاده از گوشت لذیذ شکار و تأمین آذوقه شاه و لشکریان در مواقعی که دسترسی آسان به غذا وجود نداشت، تأمین غذای حیواناتی مانند سگ‌های تازی، قوش، و قرقی از همین گوشت شکار، دفع خطرهای احتمالی که از طرف برخی حیوانات متوجه شاه و همراهانش می‌شد، ابراز عواطف و حفظ روابط خارجی با فرستادن حیوانات شکارشده به‌عنوان هدیه، و حتی کسب درآمد برخی افراد از طریق تجارت پوست این گونه‌های شکارشده از کاربردهای شکار بوده است.

پی‌نوشت

۱. جاجرود دره‌ای در چهار فرسخی تهران به راه مازندران و شکارگاه معروف و مخصوص سلاطین قاجار بوده است (اعتمادالسلطنه ۱۳۶۷: ج ۴، ۱۸۹۴).

کتاب‌نامه

- آدینه‌وند، مسعود و دیگران (۱۳۹۵)، «تحلیل پدیده شکار سلطنتی در عصر قاجار»، فصل‌نامه گنجینه اسناد، س ۲۶، دفتر چهارم.

- آریا، محمدحسین (۱۳۷۶)، *لرستان در سفرنامه سیاحان*، تهران: فکر روز.
- ارفع الدوله، رضا (۱۳۷۸)، *خاطرات پرنس ارفع*، به کوشش علی دهباشی، تهران: شهاب ناقد.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن بن علی (۱۳۶۳)، *روزنامه‌های مرآت السفر و اردوی همایون*، به خط میرزاحمدرضا کلهر، ج ۱ و ۴، با مقدمه ایرج افشار و عبدالله فرادی، تهران: گلشن.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن بن علی (۱۳۶۷)، *مرآة البلدان*، به کوشش عبدالحمین نوایی و میرهاشم محدث، ج ۴، تهران: دانشگاه تهران.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن بن علی (۱۳۷۷)، *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه: وزیر انطباعات در اواخر دوره ناصری؛ مربوط به سال‌های ۱۲۹۲ تا ۱۳۱۳ ق*، با مقدمه و فهرس ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
- افشار، ایرج (۱۳۶۳)، *چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه*، ج ۱، به کوشش ایرج افشار، تهران: اساطیر.
- افضل الملک، غلامحسین (۱۳۶۱)، *افضل التواریخ*، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران: تاریخ ایران.
- امانت، عباس (۱۳۸۳)، *قبله عالم؛ ناصرالدین شاه و پادشاهی ایران*، ترجمه حسن کامشاد، تهران: کارنامه.
- اوبن، اوژن (۱۳۶۲)، *ایران امروز ۱۹۰۶-۱۹۰۷: ایران و بین‌النهرین*، ترجمه و حواشی و توضیحات علی اصغر سعیدی، تهران: نقش جهان.
- اورسل، ارنست (۱۳۸۲)، *سفرنامه قفقاز و ایران*، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بروگش، هینریش (۱۳۶۷)، *سفری به دربار سلطان صاحب‌قران*، ترجمه مهندس کردبچه، ج ۱، تهران: اطلاعات.
- بن تان، آگوست (۱۳۹۰)، *سفرنامه آگوست بن تان*، ترجمه منصوره نظام‌مافی اتحادیه.
- بنجامین، سمیوئل گرین ویلر (۱۳۶۳)، *ایران و ایرانیان (عصر ناصرالدین شاه)*، ترجمه محمدحسین کردبچه، تهران: جاویدان.
- بیانی، خانبابا (۱۳۷۵)، «پنجاه سال تاریخ ایران در دوره ناصری: مستند به اسناد تاریخی و آرشیمی» ج ۱ و ۲، تهران: علم.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸)، *سفرنامه پولاک*، ترجمه کیکاووس جهان‌داری، تهران: خوارزمی.
- تاج السلطنه (۱۳۶۱)، *خاطرات تاج السلطنه*، به کوشش منصوره اتحادیه (نظام‌مافی) و سیروس سعدوندیان، تهران: تاریخ ایران.

تحلیلی بر عوامل مؤثر بر شکار ... (زهر قبری و سهم‌الدین خزایی) ۲۰۱

تاورنیه، ژان باپتیست (۱۳۳۶)، *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه ابوتراب نوری، با تجدیدنظر کلی و تصحیح حمید شیرانی، اصفهان: کتابخانه سنایی.

چریکف، واسیلی ایوانوویچ (۱۳۵۸)، *سیاحت‌نامه مسیو چریکف*، ترجمه آبکار مسیحی، به‌کوشش علی اصغر عمران، زیر نظر ایرج افشار، تهران: مجموعه منابع و اسناد تاریخی دوره قاجار. دالمانی، هانری رنه (۱۳۳۵)، *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*، ترجمه فره‌وشی (همایون)، تهران: ابن‌سینا، امیرکبیر.

دریکوندی، رضا و مصطفی ندیم (۱۳۹۸)، «تحلیل و بررسی جایگاه شکار سلطنتی و کارکردهای متنوع آن در عصر صفوی»، پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، س ۸، ش ۱. دوسرسی، کنت (۱۳۶۲)، *ایران در ۱۸۳۹-۱۸۴۰ (۱۲۵۵-۱۲۵۶ ق)*، ترجمه احسان اشراقی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

دیوراند، سرتی مور (۱۳۴۶)، *سفرنامه دوراند*، ترجمه علی محمد ساکی، خرم‌آباد: محمدی. دیولافوا، مادام ژان (۱۳۷۶)، *سفرنامه خاطرات کاوش‌های باستان‌شناسی شوش ۱۸۱۴-۱۸۱۶*، ترجمه ایرج فره‌وشی، تهران: دانشگاه تهران.

رضاقلی میرزا قاجار (۱۳۶۱)، *سفرنامه رضاقلی میرزا*، زیر نظر ایرج افشار، به‌کوشش اصغر فرمانفرمایی قاجار، تهران: اساطیر.

روزنامه ایران (۱۳۷۴)، ج ۱، ش ۱-۲۰۸، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، با همکاری مرکز تحقیقات رسانه‌ها، تهران: کتابخانه جمهوری اسلامی ایران.

روزنامه وقایع اتفاقیه (۱۳۷۳)، ج ۱-۴، ۱-۱۳۰، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران با همکاری مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، تهران: کتابخانه جمهوری اسلامی ایران.

روش‌شوار، کنت ژولین (۱۳۷۸)، *خاطرات سفر ایران*، ترجمه مهراں توکلی، تهران: نی. زین‌العابدین مراغه‌ای (بی‌تا)، *سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیک: قاهره: بی‌تا*.

سرنا، کارلا (۱۳۶۲)، *آدم‌ها و آیین‌ها در ایران*، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران: نقش جهان. سیاح، محمدعلی (۱۳۴۶)، *خاطرات حاج سیاح*، زیر نظر ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.

شهیدانی، شهاب و دیگران (۱۳۹۹)، «بررسی و تحلیلی بر آداب و اخلاق شکار حیوانات در عصر صفویه»، *تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، س ۱۱، ش ۲۲.

شیبانی، بصیرالملک (۱۳۷۴)، *روزنامه خاطرات بصیرالملک شیبانی ۱۳۰۱-۱۳۰۶ ق* در روزگار پادشاهی ناصرالدین‌شاه قاجار، به‌کوشش ایرج افشار و محمدرسول دریاگشت، تهران: دنیای کتاب.

شیل، لیدی (۱۳۶۲)، *خاطرات لیدی شیل*، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: نو.

۲۰۲ جستارهای تاریخی، سال ۱۳، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

- عزالدوله و ملکونوف (۱۳۶۳)، *سفرنامه ایران و روسیه «نواحی شمال ایران»*، به کوشش محمد گلبن و فرامرز طالبی، تهران: دنیای کتاب.
- عزیزالسلطان، ملیجک ثانی (۱۳۷۶)، *روزنامه خاطرات، گردآوری محسن میرزایی*، ج ۱، ۲، و ۴، تهران: زریاب.
- عین السلطنه، قهرمان میرزا سالور (۱۳۷۴)، *روزنامه خاطرات، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار*، ج ۱-۱۰، تهران: اساطیر.
- فریزر، جیمز بیلی (۱۳۶۴)، *سفرنامه فریزر معروف به سفر زمستانی: از مرز ایران تا تهران و دیگر شهرهای ایران*، ترجمه دکتر منوچهر امیری، تهران: توس.
- فلاندن، اوژن (بی تا)، *سفرنامه اوژن فلاندن به ایران*، ترجمه حسین نورصادقی، تهران: اشراقی.
- فووریه، ژوانس (۱۳۸۵)، *سه سال در دربار ایران: از ۱۳۰۶ تا ۱۳۰۹ ق*، ترجمه عباس اقبال، تهران: علم.
- قاضی ها، فاطمه (۱۳۸۹)، *گزارش شکارهای ناصرالدین شاه ۱۲۷۹-۱۲۸۱ ق*، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- قنبری، زهرا و توران طولابی (۱۳۹۹)، «شکار حیوانات توسط اشراف قاجار و پی آمدهای زیست محیطی آن»، *تاریخ و فرهنگ، دانشگاه فردوسی مشهد*، س ۵۲، ش ۱.
- قنبری، زهرا و سهم الدین خزایی (۱۴۰۰)، «قرق و امنیت شکار در عصر ناصری»، *مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش نامه انجمن ایرانی تاریخ*، س ۱۳، ش ۵۰.
- کرزن، جرج ناتائیل (۱۳۷۳)، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه غلام علی وحید مازندرانی، ج ۲، تهران: علمی و فرهنگی.
- مارکهام، کلمنت (۱۳۶۷)، *تاریخ ایران در دوره قاجار*، ترجمه رحیم فرزانه، به کوشش ایرج افشار، تهران: فرهنگ ایران.
- مته، رودی (۱۳۹۹)، *تفریحات ایرانیان (منحدرات و مسکرات از صفویه تا قاجاریه)*، ترجمه منانی صالحی علامه، تهران: نامک.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۸۸)، *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجار از آقامحمدخان تا آخر ناصرالدین شاه*، ج ۱، تهران: زوار.
- مسعود میرزا، مسعود میرزابن ناصر (۱۳۶۲)، *تاریخ سرگذشت مسعودی: زندگی نامه و خاطرات ظل السلطان همراه با سفرنامه فرهنگستان*، تهران: دنیای کتاب.
- معیرالممالک، دوست علی خان (۱۳۶۱)، *یادداشت هایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه*، تهران: تاریخ ایران.

تحلیلی بر عوامل مؤثر بر شکار ... (زهر قنبری و سهم‌الدین خزایی) ۲۰۳

- معیرالممالک، دوست‌علی خان (۱۳۹۰)، *وقایع‌الزمان (خاطرات شکاریه)*، به‌کوشش خدیجه نظام‌مافی، تهران: تاریخ ایران (شرکت سهامی خاص).
- معین، محمد (۱۳۸۶)، *فرهنگ فارسی معین*، دوجلدی، تهران: آذنا.
- مکنزی، چارلز فرانسیس (۱۳۵۹)، *سفرنامه شمال: گزارش چارلز فرانسیس مکنزی اولین کنسول انگلیس در رشت از سفر به مازندران و استرآباد*، تهران: گستره.
- ملک‌المورخین، عبدالحسین خان (بی‌تا)، *مرآت‌الوقایع مظفری*، ج ۱، تهران: میراث مکتوب.
- ناصرالدین‌شاه قاجار (۱۳۶۱)، *سفرنامه خراسان*، به‌خط میرزا محمد رضا کلهر، تهران: بابک.
- ناصرالدین‌شاه قاجار (۱۳۶۷)، *روزنامه سفر گیلان*، تصحیح و تحشیه منوچهر ستوده، گیلان: جهانگیری.
- ناصرالدین‌شاه قاجار (۱۳۷۸)، *یادداشت‌های روزانه ناصرالدین‌شاه (۱۳۰۰-۱۳۰۳ ق)*، به‌کوشش پرویز بدیعی، تهران: اسناد سازمان ملی ایران.
- ناصرالدین‌شاه قاجار (۱۳۸۹)، *روزنامه خاطرات ناصرالدین‌شاه (از محرم تا شعبان ۱۳۰۶ ق)*، به‌تصحیح و ویرایش عبدالحسین نوایی و الهام ملک‌زاده، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- ناصرالدین‌شاه قاجار (۱۳۹۰)، *نامه مازندران: سفرنامه‌های عصر ناصرالدین‌شاه*، مجموعه اول، به‌کوشش مصطفی نوری، تهران: البرز.
- ناصرالدین‌شاه قاجار (۱۳۹۹)، *روزنامه خاطرات ناصرالدین‌شاه از شوال ۱۲۸۸ تا ذی‌حجه ۱۲۹۰*، به‌کوشش مجید عبد‌امین، تهران: سخن.
- نجفی، ناصر (۱۳۶۷)، *طهران عهد ناصری*، تهران: عطار.
- نوائی، عبدالحسین (۱۳۶۱)، *شرح حال عباس میرزا ملک‌آرا*، با مقدمه‌ای از عباس اقبال آشتیانی، تهران: بابک.
- نوربخش، حسین (۱۳۴۶)، *کریم شیرهای*، با مقدمه محمدجعفر محجوب، تهران: سنایی.
- وامبری، آرمین (۱۳۷۲)، «زندگی و سفرهای وامبری: دنباله سیاحت درویشی دروغین، ترجمه محمدحسین آریا، تهران: علمی و فرهنگی.
- ویشارد، جان (۱۳۶۳)، *بیست سال در ایران*، ترجمه علی پیرنیا، تهران: نوین.
- هدایت، مهدی‌قلی (۱۳۸۵)، *خاطرات و خطرات*، تهران: زوار.
- هدایت، مهدی‌قلی (بی‌تا)، *گزارش ایران*، به‌اهتمام محمدعلی صوتی، تهران: نقره.
- هدایت، رضاقلی خان (۱۳۸۰)، *تاریخ روضه‌الصفای ناصری: در سلطنت محمدشاه و ناصرالدین‌شاه قاجار*، تصحیح و تحشیه جمشید کیان‌فر، ج ۱۰، تهران: اساطیر.
- هدین، سون (بی‌تا)، *کویرهای ایران*، ترجمه پرویز رجبی: توکا.

